



قرآن کریم (معارف و اندیشه های تفسیری)



علیه
السلام
ابوعلی

قرآن ناطق، پرچمدار اتحاد و انسجام اسلامی

آیه الله جوادی آملی

مقدمه

هدف از تعیین حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) از طرف خداوند برای جانشینی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامت امت، همان هدف اصیل بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است یعنی تعلیم کتاب و حکمت از یک سو، تزکیه نفوس و تهذیب ارواح از سوی دیگر و قیام مردم به قسط و عدل از سوی سوم، و بلاخره خروج جامعه ی انسانی از تاریکی جهل علمی و تیرگی جهالت عملی، و ورود آن به فضای روشن دانش و صحنه ی منور بینش بوده و خواهد بود.

چنین آرمانی فقط در پرتو قرآن و عترت از یک سو، و رهبری فقیه آگاه و سیاستمدار صالح و مدیر و مدبّر از سوی دیگر، و وحدت تزلزل ناپذیر و ائتلاف اختلاف ناپذیر امت، محقق خواهد شد.

حضرت علی بن ابی طالب (علیه السّلام) هدف امامت را، تنظیم و سامان بخشیدن امور ملت معرفی کرده است «وَ الْإِمَامَةُ نِظَامٌ لِلْأُمَّةِ وَ الطَّاعَةُ تَعْظِيمٌ لِلْإِمَامَةِ»^۱
امیر المؤمنین (علیه السّلام) عامل اختلاف و سبب تشّت و پراکندگی را خبث سریره و زشتی باطن دانسته و در این باره چنین فرمود:

«وَ إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ»^۲

راهکارهای حضرت علی (علیه السّلام) برای دعوت به اتحاد:

امیر المؤمنین علی (علیه السّلام) انسان کامل، خلیفه الله و مظهر تام همه ی اسمای حسنای الهی از یک سو، و کفو و هم سنگ قرآن کریم از سوی دیگر و چون جان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) از سوی سوم به تهذیب نفوس سالکان صالح و تزکیه ی ارواح مشتاق رهبری امت اسلامی به بهترین شیوه علمی و عملی می پرداخت و با زبان تحبیب و تطمیع، جامعه ی اسلامی را به اتحاد و هم آوایی فرا می خواند و زمانی بالسان تحدید و تهدید، امت اسلامی را از اختلاف برحذر می داشت گاهی خیر و سعادت جامعه را در ظلّ وحدت معرفی می نماید و زمانی خطر شکاف و خلاف را اعلام داشته و می فرماید:

«وَ أَلْزَمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَ الْفِرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ
کَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ»^۳

چون دست غیبی پروردگار منزّه از دست، با متحدان است، لذا باید سواد اعظم و امت منسجم و هماهنگ اسلامی را حفظ نمود، و چون گوسفند و امانده از رقه، که از حفاظت چوپان محروم است و طعمه ی گرگ قرار می گیرد، لازم است از صفوف به هم فشرده ی مسلمین فاصله نگرفت تا از آسیب و سوسه ی شیطان در امان بود.

هیچ فرد خردمند یا گروه متفکر، از خیر منصرف نمی شود و به شرّ رو نمی آورد مگر آن که در تشخیص خیر و شرّ، دچار اشتباه شده باشد.

حضرت علی بن ابی طالب (علیه السّلام) برای هدایت به معیار خیر و شرّ، اتحاد و همدلی را مدار خیر دانسته، اختلاف و کینه ورزی را محور شرّ معرفی نموده و در این باره چنین فرمود:
«فَإِيَّاكُمْ وَ التَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ، خَيْرٌ مِنْ فِرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ، وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفِرْقَةٍ خَيْرًا مِنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ»^۴

از این سخن بلند، نه تنها سودمندی اتحاد و زیانباری اختلاف استفاده می شود، بلکه استمرار سنّت الهی در گذشته و حال و آینده نیز معلوم خواهد شد؛ زیرا اساس فیض الهی بر وحدت و جماعت، پی ریزی شده است و هیچ گونه خیری در تفرقه و کثرت گرائی نامعقول، نخواهد بود.

آگاهی به چنین سنت تحوّل و تبدل ناپذیر، یا از روی علم غیب است که ویژه ی اولیای خداست یا از راه تحلیل عقلی و رخدادهای تاریخی و استمداد از شواهد عقلی و نقلی است که تا حدودی بهره‌ی محققان فن تاریخ و نصیب تحلیل‌گران سنن الهی است.

حضرت علی (علیه السّلام) درباره سنت شناسی تحلیلی چنین می‌فرماید:

«مَنْ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ عُرَفَ الْعِبْرَةَ وَمَنْ عُرَفَ الْعِبْرَةَ فَكَأَنَّمَا كَانَ فِي الْأَوَّلِينَ» ۵

انسان هوشمند حکیم، از رخدادهای فرعی تاریخ می‌گذرد و عبور می‌کند تا به سنت اصلی زوال ناپذیر آن بار یابد که همین عبور از فرع به اصل، عبرت خواهد بود و تحلیل‌گر عقلی با گذشت از چنین معبری است که گویا با نیاکان جامعه‌ی کنونی بوده است. حضرت علی (علیه السّلام) درباره ی خودش چنین می‌فرماید: من اگر چه در درازای تاریخ نبودم و با تبارها و دوره‌های پیشین به سر نبردم، اما با بررسی آثار آنان به منزله یکی از آنها شمرده شده‌ام

«بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أَمُورِهِمْ قَدْ عَمَّرْتُ مَعَ أَوْلَاهُمْ إِلَى آخِرِهِمْ» ۶

چون امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السّلام) جامع هر دو علم یاد شده بود؛ یعنی هم از راه غیب از سنت الهی آگاه بود، هم از راه تحلیل عمیق عقلی، از سنت تحوّل ناپذیر خداوند باخبر بود، لذا خطر اختلاف را به عنوان اصلی کلی گوشزد کرد تا هیچ کس در هیچ مقطعی از تاریخ، هوس اختلاف در سر نپروراند. زیرا هرگز خداوند، جامعه‌ی پراکنده و امت متخاصم با یکدیگر را خیر نمی‌دهد.

همسویی علی (علیه السّلام) با کلام الهی

ریشه‌ی قرآنی سخنان حضرت علی بن ابی طالب (علیه السّلام) در آیاتی است که دعوت همگان به اعتصام به حبل‌الله در آن مطرح شده است.

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا. كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» ۷

و همگی به ریسمان خدا (قرآن کریم و اسلام عزیز و هر گونه وسیله‌ی وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت بزرگ خدا را برخورد، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

در آیه ای دیگر شرح حال بهشتیان که منزّه از کینه و دشمنی نسبت به یکدیگرند، برادرانه در کنار هم زیست می‌کنند آمده است.

«وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ»

هر گونه حسد و کینه و دشمنی را از سینه ی آنها بر می‌کنیم و روحشان را پاک می‌سازیم در حالی که همه برادرند و بر تخت‌ها روبه روی یکدیگر قرار دارند. ۸
و در آیه ای دیگر آمده است:

«تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» ۹

عصاره ی این آیه ی کریمه این است که افرادی که دارای مبدأ مشترک و هدف مشترک و دین مشترکند، اگر دل‌های اینان در اثر اغراض و غرایز، پراکنده باشد، خردمند نیستند. این بود شمه ای از اندیشه‌های وحدت آفرین حضرت علی (علیه السّلام) که در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی به همه علاقه مندان به وحدت امت اسلامی تقدیم گردید.

والسّلام

پی‌نوشت‌ها :

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲

۲- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۱۳

۳- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۲۷

۴- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۷۶

۵- نهج البلاغه، حکمت ۳۱

۶- نهج البلاغه، نامه ی ۳۱

۷- سوره آل عمران آیه ی ۱۰۳

۸- سوره حجر آیه ی ۴۷

۹- سوره حشر آیه ی ۱۴